

www.ketab.ir

جوان وزندگی

علیرضا نوروزی

فهرست

فصل اول	۱۵
جوان و هدف کلی زندگی	۱۷
ضرورت شناخت هدف	۱۸
حقیقت عبادت چیست؟	۲۱
یک سوال	۲۴
فصل دوم	۲۷
جوان، هدفمندی و آثار ماندگار آن	۲۹
الگوهای موفق در هدف شناسی	۳۱
آثار هدفداری نسل جوان	۳۲
چند نکته	۳۵

۳۵	تفاوت هدف و آرزو.....
۳۶	«هدف آدمی» بیانگر نوع شخصیت او.....
۳۷	پرهیز از ابتذال و روزمرگی.....
۳۸	«انتخاب هدف» با هم اندیشی و استدلال.....
۳۹	آشنایی با موقعیت «ابزار» و «اهداف».....

۴۱	فصل سوم
۴۳	جوان و خودسازی.....
۴۶	تعالیم اسلام؛ راهی برای درگاه بیداری‌های درون.....
۴۶	حکایتی از تاریخ اسلام.....
۴۸	راهکاری مفید برای خودسازی علی‌الحسن جوان.....
۴۹	چند نکته.....

۵۳	فصل چهارم
۵۵	جوان و برنامه ریزی.....
۵۵	ضرورت برنامه ریزی.....
۵۹	فواید برنامه ریزی.....
۶۳	اصول برنامه ریزی.....
۶۵	حکایت.....
۶۹	نکات مهم در برنامه ریزی.....

۷۳	فصل پنجم
۷۵	خودباوری و اعتماد به نفس.....

- خودباوری و اعتماد به نفس در قرآن ۷۵
- خودباوری و اعتماد به نفس در احادیث و روایات ۷۵
- تو هم یک چراغ جادویی داری ۷۷
- هم‌نشینی با نیکان ۸۰
- ۱۰ قانون ساده برای غلبه بر احساس بی‌کفایتی و بالا بردن اعتماد به نفس ۸۱
- این کارها را انجام دهید ۸۲
- از انجام این کارها پرهیز کنید ۸۳
- بازرین کار، تکرار کردن آن است ۸۴
- خوبی ۸۶
- حکایت یک رسمی واقعی ۸۹
- گزینه شاه، زندگی شما ۹۰
- منابع ۹۲

دوران جوانی، زیباترین و بانشاط ترین فصل زندگی هر انسانی است؛ با گنجینه ای از خوبی ها و استعدادهای پیدا و پنهان، شادابی، کوشش، هیجان، نقدگرایی، زیاددوستی، پویایی، نوجویی و نوآوری، همزاد جوانی اند.

واژه جوان، در لغت تداعی کننده توانایی، بالندگی، اقتدار، سلامت، سرور، سرزندگی، حاکمیت، فعالیت، جنب و جوش، صداقت، احساسات و نیز قطاری از این واژه های پر انرژی و امید دهنده است. جوانی در حقیقت دورانی از عمر است که از فرصت ها و توان ها آکنده می نماید؛ یعنی اوج توانمندی انسان در این سنین می گذرد. شاید در مقام سبیه بتوان این دوران را در قالب این تمثیلات پررنگ تر مطرح کرد:

از منظر و نگرش طبیعی، جوان یعنی اُس قله زندگی؛ از منظر زیبایی و زیبایی شناسی، جوان یعنی گلستان و دوران شکوفه دمی زندگی، از وجه تمثیل به دریا، جوان یعنی موج و برخاستن؛ از منظرگاه همیشگی و توان و استعداد، جوانی یعنی دوران بالاترین کشف ها و شدن ها؛ و از منظرگاه حرمت و روان شدن، جوان یعنی بالاترین سرعت و رسیدن به اهداف.

دفتر زندگی فصل هایی دارد؛ نوباوگی، کودکی، نوجوانی، جوانی، جوانی که چهارمین فصل از دفتر زندگی انسان است، همانند بهاری زیبای، روح بخار و پرتنوع است که در آن، شخصیت، بینش ها و گرایش های انسان پخته می شود. شکل می گیرد. به دنبال این مرحله، انتخاب های فرد یکی پس از دیگری فرا می رسد، بنیان آینده استحکام می یابد و بنیادهای فکری - فرهنگی با تبلوری خاص رخ می نماید.

در میان فصل های مختلف زندگی انسان، جوانی از تمام جهت ها اهمیت فراوانی دارد. نقش این دوره در ساختار زندگی فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی انسان بسیار حساس است و بنیان های اساسی شخصیت هر فرد در این

دوره به شکل نهایی خود می رسد.

جوانی دوره اگر و آیا زندگی است، به نوعی انتظارات گسترده از یک سو و ناکامی های عمیق از سوی دیگر در این سنین خود را نشان می دهد.

جوانان زندگی عادی و روزمرگی را دوست ندارند. آنها گاهی بلند پرواز می شوند و دستشان به آرزوهایشان نمی رسد و گاهی نگاه شان کودکانه است.

زندگی برای برخی فقط لذت بردن است. آنان زندگی می کنند تا خوش باشند، رسی از این تنوع طلبی های تکراری، همواره خسته اند. البته برخی جوانان هم در می یک زندگی «خوب» و جویای نیکی ها و زیبایی های زندگی اند؛ زیبایی در عدل، مهربانی، وفاداری و تلاش. آنها خود را شناخته اند و خدا را باور دارند. هدف و مقصد برایشان روشن است و مسیر را با راهنما می پیمایند و حاضرند برای رسیدن به خوبی ها، از خرابی ها نیز بگذرند.

همه جوانی را می گذرانند، ولی اینکه چگونه می گذرانند مهم است. بسیاری از مردم، سعادت و شوکت بیشتر پیری خرید را به دشواری ها و تحمل رنج و زحمت های روزگار جوانی مبدونند.

روزهای جوانی، رسیدن به بلندترین و بالاترین جایگاه های زندگی است. روح جوانان پر از آرزو و سرشار از عشق و امید است. بیشتر از دوران جوانی، کودک ناتوان پیوسته به سوی نیرومندی پیش می رود و هر سال سوی تر می شود تا به سرمنز کمال یعنی جوانی و اوج قوت برسد؛ البته پس از دوران طلایی جوانی، دوباره به سوی فرسودگی و ناتوانی گام برمی دارد.

درخشان ترین گوهر معرفت

جوان، نوگرا و تأثیرپذیر است. او همواره می کوشد محیط اطراف را هم رنگ ذهنیت خودش سازد، جامعه را با آرمان هایش همسو کند و بر فکر و اندیشه تازه اش مهر تأیید زند. جوان آسیب پذیر و عاطفی است. احساس و عاطفه، نهال وجودش را



در مقابل توفان عشق های کاذب، آسیب پذیر می کند. جوان الگوپذیر و جستجوگر است. او در پی آن است که خود را در کسی پیدا کند یا خویش را چنان در الگویش فانی سازد که همچون او بگوید و زندگی کند. جوان لبریز از جوشش و نیروست. او دوست دارد آنچه در ظرف وجودش موج می زند، به کرانه های زندگی هدایت کند و به فکر، فرهنگ و آداب جامعه بقبولاند. جوان آرمان خواه و پندارگر است. در فردا به سر می برد، با آرزوهایش زندگی می کند و همواره در ذهنش آینده خویش را به تصویر می کشد. جوان خودنگر و خودباور است. او خود را می بیند و خود را می آراید و متاع علی و فرهنگ و هنر خویش را عرضه می کند.

جوانی در آینه هرحال

در بهار جوانی، بیش از حد حساسیت ها استحکام می یابد و فردا و فرداهای زندگی ترسیم می شود. در این دوران، زنجیر اندیشه و تدبیر کمتر استفاده شده و آثار و برکات جوانی در هاله ای از غریب ها رسیده می ماند. به همین دلیل این تحفه الهی، برای ناآگاهان نوعی جنون دسته بسته شده است. جوانی دوره ای ارزشمند است که فقط کسانی که آن را از دست داده اند، ارزشش پی می برند.

کیمیای گونه بودن جوانی در سخن رسول اکرم صلی الله علیه و آله به این شکل پدیدار می شود که آن حضرت، جوانان را به پختگی، اندیشمندی و استفاده از تجربه بزرگان فراخوانده و در سخنی کوتاه، بلندای این حقیقت را به این صورت آشکار می سازد که: «بهترین جوانان شما کسی است که همچون پیران در کارآزمودگی، احتیاط و غور و تأمل باشد، و بدترین پیران شما کسی است که همچون جوانان شتابزده، پرهیجان و غافل عمل کند.»^۱

به قول شاعر:

صد حیف که ما پیر جهان دیده نبودیم روزی که رسیدیم به ایام جوانی

گرایش به نیکی

یکی از ویژگی های نیکو در دوره جوانی، گرایش به هرگونه خیر و نیکی است. تلاش برای به دست آوردن صفات پسندیده و آموختن دین، از جمله نیکی هایی است که جوان به آن گرایش دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به اطرافیان خود درباره جوانان سفارش کرده و می فرماید:

«به شما سفارش می کنم با جوانان به خوبی و نیکی رفتار کنید؛ چرا که آنان نازک دل ترند. وقتی خداوند مرا به پیامبری برانگیخت، جوانان به من گرویدند و برای ام کردند، و بزرگسالان به مخالفت برخاستند.»^۱

همچنین نقل شده که یکی از شاگردان امام صادق علیه السلام که برای تبلیغ احکام به بصره رفت بود، امام بازگشت به مدینه، به آن حضرت از کم علاقه گی مردم به آموختن احکام خبر داد. امام صادق علیه السلام در پاسخ فرمود: این امر طبیعی است؛ زیرا بسیاری از مردم گرفتار دنیا هستند. شما باید به جوانان بپردازید که هنوز گرفتار دنیا نشده اند؛ «بر شما باد پرداختن به جوانان؛ زیرا آنان نسبت به دیگران در انجام کارهای نیک شتاب بیشتری دارند.»^۲

جوانان همواره موضوع اصلی مکتب تربیتی انبیای الهی بوده اند و انقلاب های پیامبران، معمولاً با پشتیبانی این نسل به نتیجه رسیده است. در آغاز دعوت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بیشتر پیروان حضرت را جوانان تشکیل می دادند. این نشان می دهد که فطرت جوانان پاک و دست نخورده است و آنها ضابط پذیرش سریع حق، حاضر به تحمل هر گونه سختی و دشواری بوده و هستند.

جوانی و پاکی نفس

پاکی، از مهم ترین ویژگی های دوره جوانی است. بنابراین، جوانی را باید بهترین دوره زندگی انسان دانست که در آن می توان با تزکیه نفس، به قرب الهی رسید

۱. عباس قمی، سفینه البحار، تهران، انتشارات کتاب خانه سنایی، ج ۲، ص ۱۷۶.

۲. کافی، محمد بن یعقوب کلینی، بیروت، دارصعب و دارالتعارف، ۱۴۰۱ ق، ج ۱، ص ۹۳، ح ۶۶.

و پیش از فرا رسیدن پیری و هجوم دل بستگی های گوناگون به آدمی، خود را با اخلاق نیکو آراست. پیامبر گرامی اسلام ﷺ می فرماید:

«برتری جوان عابدی که در جوانی راه بندگی پیش گرفته است، بر پیری که در بزرگسالی به عبادت روی آورده، همچون برتری پیامبران الهی بر دیگر مردمان است.»^۱

نشان ندگی، نشانی است زرین که مایه افتخار و خوش بختی صاحب آن است. پیامبر اکرم ﷺ باره فرموده است:

«دوست داشتند بن آفریده ها نزد خداوند متعال، جوانی است زیبارو که جوانی و زیبایی خود را برای خدا و طاعت او قرار دهد. پروردگار به چنین شخصی بر فرشتگان می بال و می فرماید: همانا که این نوجوان و جوان، بنده من است.»^۲

فرصت زودگذر

دوره جوانی ارزش فراوانی دارد و به رموز حضرت علی (ع) این ارزش شناخته نخواهد شد مگر هنگام از دست دادن آن. از نصرت در سخنی زیبا فرمودند: «دو چیز است که کسی آنها را قدر نمی داند، مگر پس از نبود آن؛ یکی جوانی است و دیگر سلامت و تندرستی»^۳

به قول آن حکیم فرزانه که گفت: جوانی، صندوق درستی است که فقط پیران می دانند درون آن چیست.

آری! پاسداری از کیمیای گران سنگ روزگار جوانی و بهره گیری از این فرصت ناپایدار، بایستگی هایی دارد که تأمل در آن چاره ساز است.

۱. کنزالاعمال، ج ۱۵، ص ۴۳۰-۵۹۹

۲. اعلام الدین، حسن دیلمی، قم مؤسسه آل البیت، ص ۱۲۰.

۳. غررالحکم، ص ۴۴۹.

تا جوانی و تن درستی هست آید اسباب هر مراد به دست

تو که سرسبزی جهان داری ره کنون رو که پای آن داری^۱

اکنون این دفتر را با عنایت الهی و صمیمانه و به دور از تکلف، می گشاییم:

جوان و زندگی، مجموعه ای از «روشنا»ها و پرتوهایی از انوار هدایت الهی و تجربیات مفید و حکایات عبرت آموز است که در سودهی فکری، اعتقادی، رفتاری و مهارتی نسل تو و هندسه زندگی او مفید و مؤثر خواهد بود و با عنایت الهی خواهد دانست گره هایی از ذهن مخاطب جوان ما را بگشاید.

آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

علیرضا نوروزی

خرداد ۱۳۹۷

